

سرزمین ما ایران سرآمد زیبایی‌ها و ظرافت‌هاست. مردم ما حاصل فرهنگی عمیق و ریشه‌دار با آمیزه‌ای از دین و تاریخ هستند. تجلیات پوششش و حجاب در میان زنان ایران، چنان چشمگیر بوده که برخی اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی می‌کردند.

- پوشش دوره مادها**

طبق پژوهش‌های انجام گرفته، زنان ایران از زمان مادها حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین‌دار و شلوار تا مچ پا و جادر و شنلی بلند روی لباس‌ها داشته‌اند. این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. در زمان زرتشت و پیش از آن، زنان ایرانی از حجاب کامل برخوردار بوده‌اند. زنان با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران‌زمین، به گونه‌ای بوده که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایارشا به ملکه «وشی» دستور داد بدون پوششی به بزم بیاید تا حاضران زیبایی‌های او را بنگرند، وی امتناع کرد و برای این سر پیچی به حکم داوران، عنوان ملکه ایران را از دست داد. مادها نخستین حکومت فراگیر در فلات ایران بودند طبق نقوش برجسته و مجسمه‌های پیش از میلاد، پوشاک زنان آن دوره از لحاظ شکل با کمی تفاوت با پوشاک مردان یکسان بود و مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود داشت، از هم تمیز داده می‌شدند. بررسی محققان از نوع پوشش مردم در دوران ماد نشان می‌دهد مادها به عنوان نخستین قوم آریایی بیشترین تأثیرات را در نحوه پوشش خود از اقوام بومی فلات ایران پذیرفتند. به نقل از مدیر موزه لباس سنتی استان فارس، با دیدن حجاری‌ها، پیراهن، یک پوشش بلند تا سر زانو بوده که به نوعی مورد مصرف الگوی آن در کل جامعه ایران بوده که دارای ۳ نوع یقه متفاوت مثل یقه گرد، یقه هفتی یا سه گوش و یقه چپ و راست بوده است. آستین پیراهن در لباس بلند بوده که با ملایمت از سر شانه به طرف مچ دست تنگ شده و معمولاً روی آن کمی چین‌دار بوده است.

- پوشش دوره اشکانی**

زنان دوران اشکانی نیز لباس‌شان پیراهن بلند گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه‌دار بوده که پیراهن دیگری روی آن می‌پوشیدند. قد پیراهن دوم نسبت به اولی کوتاه و یقه باز بود و روی این دو پیراهن چادر به سر می‌کردند.

- پوشش دوره هخامنشی**

تصویر برج‌ا مانده روی تخت‌ستنگ‌های دوره هخامنشی نیز نشان می‌دهد همانندى بین لباس زنان و مردان پارسی وجود داشته است. زنان پارسی جز لباس شبیه آنچه ملکه می‌پوشیده، لباس دیگری نیز نداشته‌اند. پیراهن آنان پوششی ساده، بلند یا دارای راسته‌چین و آستین کوتاه بود که دامن از رانو به پایین، شرابه‌هایی از مچ پا آویزان داشته است. علاوه بر اینها زنان پارسی از چادر نیز استفاده می‌کردند. چادر آنها مستطیل شکل بوده و آن را بر روی تن خود می‌لنذاختند به طوری که تمام لباس‌های زیر را می‌پوشانید.

- پوشش دوره ساسانی**

باوان ساسانی نیز پیراهنی بلند با آستین یا بدون آستین، پرچین و گشاد و یقه‌های شکل گرفت که در آن با نواری در زیر سینه مانند زنان اشکانی جمع می‌کردند. زنان ساسانی گاهی چادر گشاد و پرچین بر سر می‌کردند که تا ساق پا می‌رسیده است.

- پوشش دوره صفویه**

به دلیل توجه صفویان به آداب و رسوم و مذهب خاص ایرانی و مذهب اثنی‌عشری، در این دوره در رسته‌های گوناگون صنعت و هنر، پیشرفت شایانی شکل گرفت که در این میان پوشاک بانوان با توجه به بافت خاص اجتماعی – مذهبی آن روزگار شکل خاصی به خود گرفت. پیراهن‌ها اغلب رنگارنگ و گلدار و زربفت ابریشمی بود و روی آن قبابی جلوار؛ بلندی تا مچ پا به‌ها می‌کردند. از جمله پوشاک این دوره، کلاه کوچک، چارقد، شلوار بنبهدوزی شده و جوراب ساقه‌کوتاه پارچ‌ای بود که در فصل زمستان مورد استفاده زنان قرار می‌گرفت. زنان دوره صفویه هنگام بیرون رفتن از خانه چادر بزرگ سفید یا بنفش به‌سر می‌کردند که تمام بدن آنان را می‌پوشاند و فقط جلوی صورت باز می‌ماند که می‌توانستند پیش روی خود را ببینند.

- پوشش دوره زندیه**

در دوره زندیه و نادرشاه افشار و خاندان او، از تجملات لباس‌ها کاسته شد و جمله‌ها فرمی ساده‌تر به خود گرفت. دامن پیراهن‌ها یا بلوز و قیاق کوتاه‌تر شد. فرم شلوار و جنس و تزئینات آن اهمیت بیشتری پیدا کرد. زنان پیراهن تنگی در بر می‌کردند که پارچه آن اغلب از نخ و ابریشم بود. یقه‌گرد که در وسط آن چاک‌ی به وسیله روبان یا دکمه در زیر گلو بسته می‌شد. در موقع احتیاج روی پیراهن اغلب از کت بلندی که تا نصف بدن را می‌پوشاند، استفاده می‌کردند. زنان در این دوره شلوار گشاد و بلندی که از پارچه‌های راه راه دوخته شده بود، به‌پا می‌کردند و روی آن دامن گشاد و نسبتاً بلندی می‌پوشیدند که تا وسط ساق پا می‌رسید. هنگام خروج از منزل چادر سیاه یا بنفش یا نیلی تند به سر می‌کردند و روی خود را با روبنده کاملاً می‌پوشاندند.

- پوشش زنان عصر قاجار**

پوشش زنان در محیط خانه و بیرون از آن متفاوت بود. نوع پوشش آنان را در درون خانه از لحاظ تاریخی می‌توان به ۳ دوره تقسیم کرد:
۱- ابتدای دوران قاجار تا مسافرت ناصرالدین‌شاه به فرنگ. در این دوره پیراهن کوتاه بدون یقه‌ای استفاده می‌شد که جلوی آن باز و دکمه‌های زرین و مرواریندیشان زینت‌بخش آن بود. پارچه‌ها ابریشمی بود. پیراهن‌ها شالواری گشاد مانند شلوار مردان تکمیل می‌کرد.

۲- از مسافرت ناصرالدین‌شاه تا پایان عصر ناصری و ابتدای دوره مظفری شروع تأثیرپذیری ناصرالدین شاه از فرنگ و روسیه بود که توضیح آن خواهد آمد.

۳- از ابتدای دوره مظفری تا پایان دوره قاجار؛ در این دوره کت و دامن و لباس به شیوه فرنگی، بویژه در میان زنان طبقه مرفه افزایش یافت و خانواده‌های وابسته به دربار از این نوع پوشش استفاده می‌کردند و زنان روشنفکری چون قرق‌العین نیز بدون حجاب در جمع ظاهر می‌شدند اما در مجموع لباس بیرونی خانم‌ها چادر یک‌شکلی بود که سر تا پای زنان را کاملاً می‌پوشاند و معمولاً از پارچه‌های ابریشمی، شمدی، تافته و اطلس با رنگ‌های سیاه، آبی پررنگ و آبی نیلی تهیه می‌شد. بنابراین حجاب در همه دوران ایران‌زمین از جمله دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، صفویان، زندیه و قاجاریه نمایان بوده است.

- دوره دوم قاجار و پوشش غربی**

مسافرت ناصرالدین‌شاه قاجار به فرنگ و روسیه و دیدن لباس‌های بال‌رین‌های پترزبورگ که شلوار بافته چسبان و نازکی به پا می‌کردند و زیر جامه بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می‌پوشیدند، شاه را بر آن داشت که زن‌های حرمسرای خود را که لباس‌شان شامل پیراهن، ارقاق، کلیجه، شلیته، شلوار، جوراب، چارقد و کلاهی بود، به این لباس درآورد و این امر موجب شد غرب سالیان سال کشور ایران را مورد تعرض و تهاجمات مختلف برای القای فرهنگ خود قرار دهد و بدین نحو بدترین آسیب‌ها را بر پیراهن و جامه سنتی ایران وارد آورد. بنابراین دوره قاجاریه به عنوان نخستین دوره روبرواری و سپس



بیگانگان چگونه با پیشینه مستحکم عفاف و اخلاق در میان زنان کشور درافتادند؟

تاریخ حجاب و بی‌حجابی در ایران

به‌عنوان سوغات، قسمتی از آن تمدن را در ایران پیاده کند. لذا بعد از سفر رضاخان به ترکیه و بازگشت از آنجا سوغاتی را با خود به ایران آورد از جمله تغییر کلاه، کشف حجاب... . بنابر اعتراف محمدرضاشاه، ایران پس از ترکیه دومین کشور مسلمانی بود که رسماً حجاب را ممنوع کرد. کشف حجاب در ایران مربوط به دوران رضاشاه پهلوی است. ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه قانونی را تصویب کرد که بنا بر آن زنان و دختران ایرانی از استفاده چادر و روبنده و روسری منع شدند. این اقدام رضاخان پس از تنها سفر خارجی‌اش به ترکیه و تحت تأثیر اقدامات فریگرایانه آتاتورک انجام گرفت. پس از سفر وی به ترکیه، در ایران شایعاتی درباره ممنوعیت حجاب در مدرسه‌های دخترانه پخش شد ولی در این زمان قانونی تصویب نشد. رضاشاه قانون کشف حجاب را یکباره صادر نکرد. نخستین شایعات پیرامون قانون جدید هنگامی شد که امان‌الله‌خان و ملکه ثریا، شاه و ملکه افغانستان سال ۱۳۰۸ به ایران آمدند. ملکه افغانستان بی حجاب بود و جنجالی در میان روحانیان برانگیخت. آنان از رضاشاه خواستند ملکه افغانستان را در ایران مجبور به داشتن حجاب کند ولی رضاشاه نپذیرفت. در همین زمان شایعاتی درباره تصویب قانون منع حجاب پخش شد. رضاشاه که تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود، این مسأله را پس از گذشت یک سال از سفر به ترکیه در آذر ماه ۱۳۱۴ به محمود جم، رئیس‌الوزرا چنین بازگو کرد: «زندیک ۲ سال است این موضوع سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است. بویژه از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته‌اند و دوش به دوش مرده‌های‌شان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند. دیگر از هرچه زن چادری است، بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن نیست زده و از بنش برده.» بخشنامه کشف حجاب برای تصویب رضاشاه در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۴ از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرستاده شد تا در اول دی دستورالعمل اجرای غیررسمی قانون کشف حجاب به تمام ولایات ایران ارسال شود. پیش از تصویب کشف حجاب از اواسط دهه ۱۳۰۰ انتقابه به حجاب در تهران آسان شده بود. گروه‌های فعال جنبش زنان ایران از حجاب انتقاد می‌کردند. برای مثال، نشریه «عالم‌نساء» در سال ۱۳۱۰ بحثی درباره حجاب باز کرد و فراخوانی بر این بحث چاپ کرد. پاسخ‌های موافق و مخالف داده می‌شد. برخی زنان از بی‌حجابی دفاع کردند و انحطاط اخلاقی جامعه را از سرکوب زنان توسط مردان می‌دانستند. در دوره پهلوی بتدریج لباس‌های اروپایی زنان با کنسرت‌های بی‌حجاب قمرالملوک وزیری در باشگاه ایران به بنیانگذاری تیمورتاش، وزیر دربار و با نفوذ و نوگرایی رضاشاه به میان مردم آمد. بالاخره رضاخان ۴ دی‌ماه ۱۳۱۴ به صورت رسمی کشف حجاب را به ترتیب زیر اجرا کرد:

۱- باروی کار آمدن رضاشاه کسانی که ترک سنت و اخذ فرهنگ غربی را مهم‌ترین عامل پیشرفت می‌دانستند، در پست‌های کلیدی کشور قرار گرفتند و مسؤولیت‌های حساس بر عهده آنها گذاشته شد. با اجرای این قانون بتدریج از تعداد افرادی که مجاز به استفاده از لباس روحانیان بود، کاسته شد.
۲- سفر رضاشاه به ترکیه در سال ۱۳۱۳ اثر عمیقی بر نگرش او در تحکیم پایه‌های حکومت نقش بسزایی داشت و مردی فاسدالقیقه و فاسدالاخلاق بود، در طعن به اعتقادات دینی از کسی اهامه نداشت و در زمینه‌سازی کشف حجاب در ایران از پیشگامان به حساب می‌آمد. او تحصیلکرده سن‌پترزبورگ و مسکو بوده و فردی عیاش و بی‌دین و قدرت‌طلب و بشدت فریگرا بود. تیمورتاش با پیوند زدن روشنفکری دنیای غرب با تجددگرایی داخلی سعی در آشنایی زنان ایرانی با فریگران دیگر کشور‌ها داشت. از جمله این موارد، برگزاری کنفره زنان

شرق بود که چند نفر از زنان عرب بی‌حجاب در آن کنفرانس حضور داشتند؛ افرادی نظیر تیمورتاش، فروغی و علی‌اصغر حکمت نه‌تنها زنان و دختران خود را بدون حجاب در مجامع ظاهر می‌کردند، بلکه بشدت به دنبال اجرای پروژه کشف حجاب در کشور بودند. رضاخان به کمک جریان وابسته روشنفکری، تمام تلاش خود را در تغییر لباس ملی به کار گرفت. سفر رضاخان به ترکیه که در آن هنگام به وسیله آتاتورک عرصه تاخت و تاز فرهنگ غرب قرار گرفته بود و فرهنگ اسلامی با زور از صحنه زندگی مردم خارج می‌شد، یکی از توطئه‌های روشنفکران وابسته بود تا رضاخان، تحت تأثیر سر قرار گیرد و در تغییر ماهیت ملی و اسلامی مردم ایران تلاش بیشتری

کند. نقل شده محمدعلی فروغی مدتی سفیر کبیر ایران در ترکیه بود. در آن مدت بین او و کمال آتاتورک، رئیس‌جمهور و عصمت اینونو نخست‌وزیر و سایر مقامات ترکیه روابط بسیار حسنه‌ای ایجاد شده بود به طوری که در تمام مدت او مورد مشورت مقامات ترکیه قرار می‌گرفت. مراد از این نزدیکی این بود که شاه از نزدیک با مظاهر تمدن اروپا که به وضع شایانی در ترکیه رواج یافته بود، آشنا شود و بعد



شود. در این مراسم رؤسای مدارس و همسران صاحب‌منصبان عالی‌رتبه و همسر و دختران شاه بدون حجاب ظاهر شدند و عملاً دستور رفع حجاب را صادر کردند و این روز به نام روز «آزادی از کشف حجاب» نامگذاری شد.

۴- رضاشاه با یک اقدام خشن از سوی نیروهای نظامی خود در سراسر کشور، حجاب زنان را که شامل چادر و چاقچور و روبنده می‌شد، به



زور از سر آنان برداشت. خاتم «کلار» کولیور ریس» که همسر یکی از مأموران هیأت مذهبی- تبلیغی مسیحی انگلیسی بود، در مدتی که در ایران سکونت داشت، در یادداشت‌های خود نوشته است: «زمانی که دولت ایران مدرسه معمولی را در تهران گشود و از مبلغان مذهبی آمریکایی بسیاری دعوت به همکاری به هم‌کاری کرد ... بلکه نیل به این هدف از برداشته شدن طوق رقیّت از گردن او ... بلکه نیل به این هدف از طریق درک و دریافت نیازها از سوی خودشان و مردان امکان‌پذیر است. مدرّس غربی راه را گشودند و آموزش‌وپرورش ایران در سال‌های آینده زیر نفوذ اندیشه‌ها و شیوه‌های غربی خواهد بود». از فرقه‌هایی که در کشف حجاب نقش مؤثری را ایفا کرد، فرقه بابیه در عهد ناصرالدین‌شاه بود که ریشه‌های آن از افکار انحرافی استعماری سرچشمه می‌گرفت.

در حقیقت طرح مسأله کشف حجاب از سوی این فرقه در میان زنان به اجرا گذاشته شد که با مقاومت امیر کبیر مواجه شد. هدف اصلی و نهایی بهائیت در یک جمله خلاصه شد: «تا امروز تبعیت از احکام دین اسلام بر شما واجب بود ولی از هنگام ظهور باب دیگر بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از دستورات دین اسلام پیروی کند. بالنت کامل زندگی کنید و آزاد از همه چیز باشید». نخستین سناریوی بی‌حجابی در این برهه از زمان در سال ۱۲۲۷ توسط زنی به نام «زین تاج» که به «قرالعین» معروف شد و از پیروان بهائیت بود، آغاز شد. وی نه‌تنها به کشف حجاب متعوّق می‌کرد، بلکه اعلام کرد در روابط بین زن و مرد رادع و مانع و حد و تکلیفی وجود ندارد. از سخنان او است که می‌گوید: «از حال تنهایی به جان اجتماع بیرون بیایید و این حجابی را که میان شما و زنان مانع از استفاده و استمتاع است، پاره کنید. زنان خود را از دستان‌تان دریغ ندرایند.» مرحوم میرزا تقی لسان‌الملک سپهر در نسخ التواریخ می‌نویسد: «قرالعین حجاب زنان را از مردان موجب عقاب شمرده و یک زن را به نکاح با ۹ مرد فرج استنحباب کرده». اجرای قانون کشف حجاب بخشی از زنان که مس‌تن و سنتی بودند، عملاً در خلّه محبوس شدند. وزارت فرهنگ حکم کرد از ورود زنان باحجاب به دانشگاه جلوگیری شود و معلمان زن مدرسه‌ها و استادان زن دانشگاه مجبور شدند بی‌حجاب به کلاس درس بروند. در تهران و سایر شهرها مأموران شهربانی به دختران دانش آموز و زنانی که حجاب نداشتند، لزوم اجرای قانون را گوشزد می‌کردند. هرچند پیش از تصویب اقداماتی صورت گرفته بود؛ از جمله به منظور زمینه‌سازی برای تصویب قانون کشف حجاب در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ رضاشاه جمعیت زنان آزادیخواه ایران را تحت ریاست شمس پهلوی به عنوان گام تازه‌ای برای پیشبرد روند بی‌حجابی در کشور تأسیس کرده بود و در مرحله بعد وزارت داخله برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان لباس متحدالشکل داشتن، حجاب زنان گرفتار قانون را گوشزد می‌کردند. هرچند پیش از تصویب کرده بود، و به زور و نمایندگان مجلس اعلام کرده بود حذف حجاب زنان را آغاز کنند. لذا پیش از تصویب قانون کشف حجاب رضاخان در قدم اول بی‌حجابی را از زنان وزرا، معاونان، و کلا و مسؤولان کشور آغاز کرده بود.

- واکنش علما و مراجع نسبت به کشف حجاب**

پیش از اجرای قانون کشف حجاب، مراجع و علمای سرشناس وقت اعتراضات زیادی کردند که منجر به تبعید آنان شد؛ از جمله آیت‌الله قمی، آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله سیددینوس اردبیلی، آیت‌الله سیدمحمدتقی خواصاری، آیت‌الله حجت کوه‌کمرای و آیت‌الله میرزا احمد آقا‌زاده.

- نقش مطبوعات در کشف حجاب**

نقش مطبوعات نیز در جریان روند بی‌حجابی برجسته و مشخص بود. افکار و اندیشه‌های مسموم و استعماری را با سیاست و مودیانیه به‌ خود ملت ایران می‌دادند. کشف حجاب در سال‌های باقی مانده حکومت رضاخان اجباری بود و حجاب اسلامی مظهر عقیم‌اندگی شمرده می‌شد. در خاطرات صدرالاشراق در رابطه با کشف حجاب آمده است: «در اتوبوس زن باحجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبان‌ها از اهانت و کتک زدن به زن‌هایی که چادر داشتند یا نهایت بی‌بروایی و بی‌رحمی فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از مأموران، بویژه در شهرها و دهات زن‌هایی که پارچه روی سر انداخته بودند، اگرچه چادر معمولی نبود، از سر آنها کشیده، پاره‌پاره می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا توی خانه‌ها تعقیب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده، اتاق زن‌ها و صندوق لباس آنها را غنیمت می‌شماردند. اگر چادر از هر قبیل می‌دیدند، پاره پاره می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند.»

- واکنش مردم نسبت به کشف حجاب**

قابل توجه اینکه پس از رسمی شدن کشف حجاب در ایران و ابلاغ دستور اجرای آن در مناطق مختلف کشور، طبقات مختلف مردم ایران

به طرق مختلف به مقابله با این دستور پرداخته و برای برخورداری از امکان استفاده آزاد از پوشش و حجاب تمام کوشش خود را به کار بستند. زنان برای حضور در جامعه و امکان انجام امور روزمره خود با روش‌های مختلف به مقابله با این دستور پرداختند که به صورت فهرست‌وار به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- استفاده از پوشش‌های دیگر به جای چادرهای رایج که دستور منع استفاده از آن صادر شده بود. هنگام خروج از خانه از چارقد، چادر نماز، چادر شب، چاقچور و سرپند استفاده می‌کردند و برخی با استفاده از چادر کم‌ری سعی در حفظ پوشش خود داشتند. عده‌ای روپوش‌های بلند، روسری یا مقنعه را جایگزین چادر کردند. عده‌ای نیز کلاه‌گیس بر سر کرده و با پوشش کامل از خانه خارج می‌شدند.

۲- تغییر سسات تردد برای استفاده از تسهیلات عمومی؛ مثلاً فقط شب‌هنگام از منزل خارج می‌شدند یا صبح زود به حمام می‌رفتند و مردان آنها را در فواصل مختلف مراقبت می‌کردند تا مورد تعرض مأموران قرار نگیرند.

۳- با تمام تدابیر اتخاذ شده در برابر مردم بسیاری از موارد زنان باحجاب ضمن تردد در کوچه و خیابان با مأموران سادکنگر مواجه می‌شدند و گاه با دادن رشوه به آنان حجاب خود را حفظ می‌کردند.

گاهی هم زنان با مأموران درگیر می‌شدند و گاهی نیز بلافاصله پس از مشاهده آنان روسری خود را مخفی کرده و دوباره بر سر می‌گذاشتند.

۴- نسبت به بی‌حجاب‌ها واکنش منفی نشان می‌دادند که این امر هم باعث می‌شد بسیاری از زنان در عدم استفاده از پوشش مورد قبول جامعه، دچار تردید شوند.

۵- حرکت‌های گروهی و فردی برخی افراد در سطح جامعه نیز به مانعی دیگر برای پیشبرد برنامه‌های دولت برای مدرن‌سازی کشور و شبیه‌سازی آن به کشورهای غربی تبدیل شده بود؛ مانند بستن بازار و شرکت در اجتماعات، ترک جشن‌ها، نصب و پخش اعلامیه، پناه دادن به فراریان در خانه و مغازه، بهانه کردن سردی هوا و استفاده از چادر، سرزنش خیاطان و….

۶- شایعه‌پراکنی درباره لغو دستور کشف حجاب، یکی دیگر از روش‌های مبارزه مردمی در مقابله با کشف حجاب بود.

۷- با عرضه‌نویسی به مجلس و نخست‌وزیر به صراحت اعتراضی خود را به دستور کشف حجاب اعلام می‌کردند.

۸- مهاجرت به سایر کشورها، بویژه گشتن از مرز خرمشهر و رفتن به عراق.

۹- برخی از خانم‌ها از ترس تعرض مأموران به آنها خانه‌نشین شدند. برای درمان بیماری، پزشک به منزل می‌آوردند یا برای استحمام در خانه‌های خود آبگرم می‌کردند که مجبور به خروج از منزل نشوند.

۱۰- برخورد علما با کشف حجاب که خود نماد همراهی با مردم به شمار می‌رفت؛ اقداماتی از قبیل نامه‌نگاری به مقامات، حضور در جشن‌ها به همراه همسران با حجاب‌شان، تبلیغ درباره عذر قبولی نماز و روزه زنان بی‌حجاب، حتی اخطار به ملکه به دلیل حضور با پوشش نامناسب در حرم حضرت معصومه.

۱۱- علاوه بر مردم و علما کارکنان دولت و مسؤولان تراز اول کشور نیز در ابتدا با موضوع کشف حجاب به مخالفت برخاستند و اقدامات چشمگیری انجام دادند از قبیل: عدم شرکت در جلسات جشن یا شرکت در جلسات بدون همسران، حذف پوششی و عکس‌العمل منفی، بهانه‌تراشی برای عدم شرکت در مراسم مختلف مثل مرض بودن، مسافرت بودن، باردار بودن، عدم اجرای دستور حکومتی توسط مأموران و….

- پوشش و حجاب در دوره پهلوی دوم**

در دوره رضاشاه حکومت درباره نوع پوشش زنان اعمال قدرت می‌کرد که مهم‌ترین ویژگی این امر قدرت کشف حجاب بود. در دوره حکومت پهلوی دوم نیز این موضوع پیگیری شد تا جایی که می‌توان نام کشف حجاب دوم را بر آن نهاد. سیاست حذف چادر در دوره محمدرضا شاه به سیاستی فرهنگی تبدیل شد که نه فقط پوشش زن که جسم او را نیز نشانه می‌گرفت. سیاست‌گذاری فرهنگی در دوره پهلوی دوم وارد فاز جدیدی شد. محمدرضاشاه سال ۱۳۲۰ در حالی به سلطنت رسید که ایران در شرایط ویژه‌ای قرار داشت. نیروهای اجتماعی ایران که تا آن زمان در منگنه و فشار بودند، آزاد شدند. آذنان عمومی به دنبال آزادی در پوشش بود. پس از برکناری رضاشاه نامه‌نگاری به شاه جدید درباره کشف حجاب آغاز شد. حکومت ناچار شد تغییر سیاست بدهد. ۱۰ دی ۱۳۲۲ اولویت سیاست ممنوعیت حجاب حذف شد. پس از آزادی محدود حجاب بعد از شهریور ۱۳۲۰ عده‌ای از زنان مجبور به چادر روی آوردند تا جایی‌که مورد اعتراض زنان فعال، از جمله اعضای کانون بانوان قرار گرفت. دهه ۱۳۵۰-۱۳۴۰ به اصلاحات محمدرضا اختصاص دارد.

سیاست‌های فرهنگی- اجتماعی تحت ریاست فرح پهلوی به اجرا درآمد. فرح در سال ۱۳۳۸ دفتر مخصوص «بنیاد فرح» را تأسیس کرد و تلاش کرد نمای حجاب حذف شود. پس از آزادی محدود حجاب دهه. بسج همگانی برای مشارکت زنان را آغاز کرد و حضور زنان در رده‌های شغلی مختلف نمایان شد. در این دوره پوشش زن در برنامه‌ای نسبتاً صامت پیگیری شد. ارائه تصویر زن مدرن در مجلات، رسانه‌های صوتی و بویژه تصویر، جشن‌ها و مراسم‌ها فرهنگی شکل جدیدی به خود می‌گیرد. ام جسنی، بدن و زن محوریّت می‌یابد. دیگر بحث بر سر برداشتن پوششیه و نقاب نیست، بلکه تصاویر و کلمات یکی پس از دیگری بخش‌هایی از پوشش زن را حذف می‌کنند. کارگزاران دولتی از برنامه‌های تلویزیون، سینما و برگزاری جشن‌ها و اقدامات فرهنگی در جهت بازنمایی تصویر زن مدرن ایران بهره می‌گرفتند. جشن‌های هنر شیراز توسط فرح پهلوی در سال ۱۳۴۶ از دیگر برنامه‌های فرهنگی پوشش پهلوی دوم بود که بخش‌هایی از آن به موسیقی و تأثیر اختصاص یافت. همزمان با ماه مبارک رمضان در دوره‌های دهم و یازدهم، جشن‌های هنر شیراز در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ در مسیر سیاست‌های پوشش آشکار شد. از جمله برهنه شدن بازیگر تئاتر ملوس‌ها و تنسلس‌ها در جشن هنر هفتم، عریان شدن بازیگری به نام آمدروانیپال بابلا پشت ووترین یک مغازه، عریان شدن بازیگران زن و مرد در نمایش و روی صحنه رفتن زنی کلاملاً عریان در نمایش کشتی جنون از برنامه‌های فرهنگی بود.

«پارسوز» سفیر انگلیس در ایران در خاطراتش راجع به جشن هنر شیراز می‌گوید: «جشن هنر شیراز در سال ۱۹۷۷ از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان از جشن‌های پیشین فراتر رفته بود. صحنه نمایش، نیمی در داخل مغازه و نیمی در پیاده و مقابل آن بود. یکی از صحنه‌ها به چادر پیاده روز اجرا می‌شد، تجا‌زو به عفت بود که به طور کامل، نه به طور نمایشی و ولئومدسازی- در مقابل چشم همه صورت گرفت… شاه مدتی خندید و چیزی نگفت. حذف چادر با سیاست فرهنگی مورد نظر فرح پهلوی و حکومت محمدرضا شاه پیش نرفت و در نهایت ۱۰ آذر ۵۵ شورای هماهنگی امور اجتماعی نخست‌وزیر طرحی برای حذف چادر از پوشش زنان داشت که اشغالی کشور و وضعیت سیاسی سال‌های ۵۵ تا ۵۷ مانع اجرای این طرح شد.

منبع: تاریخ انقلاب اسلامی، موسسه فرهنگی- هنری قدر ولایت